

آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی

(شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

معصومه محمدی سیف *

محمد عارف **

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۱۹

تاریخ تأیید مقاله: ۹۵/۳/۱۱

چکیده

هدف مقاله حاضر، آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی است. از آنجا که دلایل فراوانی ممکن است باعث به تأخیر افتادن سن ازدواج و به تبع آن، بروز عواقب و مشکلات فراوان شود، این پژوهش درصدد شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی برآمده است. روش: در این تحقیق از روش اسنادی استفاده شده است. یافته‌ها: نداشته‌ها: نداشتن شغل، مشکل مالی و ترس از آینده، نداشتن مسکن و بالا بودن اجاره بهای آن، ادامه تحصیل، اعتقاد به داشتن زندگی آزاد، احتیاط بیش از حد در انتخاب همسر، مشکل همسریابی برای دختران، فراهم بودن زمینه ارضای نامشروع میل جنسی، درک نامناسب خانواده‌ها از خواسته‌ها و نیازهای جوانان، دخالت زیاد خانواده‌ها در گزینش همسر برای جوانان، تأمین چهره‌یه و سنت‌های غیر منطقی، مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی بوده‌اند. در پایان، پیشنهادهایی به منظور بهبود وضعیت موجود ارائه شده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، ازدواج، تأخیر در سن ازدواج، جوان، ایران.

الف) مقدمه و طرح مسئله

ازدواج، سنگ بنای خانواده است و از آنجا که جامعه از مجموعه خانواده‌ها تشکیل می‌شود، نحوه پایه‌گذاری و تدابیر و اندیشه‌هایی که در امر ازدواج صورت می‌پذیرد، در رشد و تعالی یا انحطاط و انحراف جامعه تأثیر بسزایی دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰). ازدواج و تأسیس کانون خانوادگی، باعث می‌شود به طور محسوسی از فساد و ولگردی‌ها و بی‌بندوباری‌ها و طغیان‌ها و قتل و سرقت و ... کاسته شود؛ زیرا چنان که آمار نشان می‌دهد، اکثر این امور از افرادی سر می‌زند که از وجود کانون گرم خانوادگی محرومند. (کانون مشاوره خانواده، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

اما امروزه ازدواج جوانان به یکی از چالش‌های اصلی جامعه ایرانی مبدل شده است. جوانان به دلایل مختلفی از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج به عنوان یک مسئله نمود پیدا کرده است. جوانانی که به دلایلی مجبور به خانه‌نشینی می‌شوند و جوانانی که دوست دارند مجرد بمانند، همه و همه، پدیده تجرد را به صورت یک مشکل عمومی درآورده که بیشتر خانواده‌های ایرانی با آن مواجهند. جوانانی که تا سنین بالا با پدر و مادر خویش زندگی می‌کنند و برای آغاز زندگی توقعات بالایی دارند، عملاً ازدواج را دچار مشکلات جدی کرده است. (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۰)

نگاهی به آمارهای موجود نشان می‌دهد میانگین سن ازدواج دختران با تحوّل عمده‌ای روبه‌رو شده است؛ بر این اساس، بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ با افزایش تدریجی همراه بوده و این افزایش در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است؛ به طوری که سن ازدواج در ایران در سال ۱۳۴۵، ۱۹ سال؛ در سال ۱۳۵۵، ۲۰ سال؛ در سال ۱۳۶۵، ۲۱ سال؛ در سال ۱۳۷۵، ۲۲ سال و در سال ۱۳۸۵، ۲۳/۵ سال بوده و میانگین ازدواج دختران از ۱۸ به ۲۸ سال رسیده است (کاظمی‌پور؛ نقل از بحیرانی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۱: ۲). در حال حاضر نیز سن ازدواج در میان دختران، ۲۵ سال و در پسران، ۲۷ سال است (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۰). «بر اساس آمار سازمان ملی جوانان ۳۰ درصد دختران ایرانی در شهرهای بزرگی همچون تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز، مستقل از خانواده و به طور مجرد زندگی می‌کنند. بر اساس این آمار، در دو دهه گذشته ازدواج دختران کاهش داشته و تعداد دختران تحصیلکرده‌ای که هرگز ازدواج نکرده‌اند، از ۵ درصد به ۱۶ درصد افزایش پیدا کرده است (فرهمندیگی؛ نقل از بحیرانی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۱: ۲). در مجموع، واقعیت‌های موجود در جامعه نشان می‌دهد که رغبت جوانان به ازدواج کاسته شده و تأخیر در ازدواج، کم‌کم در حال تبدیل شدن به

یک شیوه و امتیاز اجتماعی است. آمارهای رسمی، از هشت میلیون جوان ایرانی آمادۀ ازدواج سخن می‌گوید؛ اما این رقم در آمارهای غیر رسمی به ۱۲/۵ میلیون نفر رسیده است (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۹). این مسئله نشان می‌دهد که جامعه از حالت هشدار عبور کرده و به مرحله بحران رسیده است و اگر خانواده‌ها نسبت به این بحران غفلت کنند، آیندۀ مبهم و نه چندان خوشی در انتظار آنهاست (همان، ۵۰). در این راستا می‌توان عوامل بسیاری را در تأخیر سن ازدواج جوانان ایرانی مؤثر دانست و به تشریح جزئیات آن پرداخت که در این پژوهش، مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بروز این پدیده برای پاسخ به سؤال ذیل ذکر می‌شود:

مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی کدامند؟

(ب) تعریف مفاهیم

۱. ازدواج^۱

ازدواج فرایندی از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن است که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۳). «ازدواج فرایندی است که از کنش دوسویه میان دو انسان، یک مرد و یک زن که به پاره‌ای از نیازهای مشروع خود پاسخ داده‌اند و این عمل ایشان همراه با تشریفات رسمی زناشویی بوده و در هر حال به عنوان ازدواج توسط قانون پذیرفته شده است. بدین قرار، ازدواج به معنای ایجاد پیوندی (چه دائم و چه موقت) با ایجاد امکان روابط بین دو جنس مخالف است که مورد تصویب جامعه (شرع، عرف) قرار گرفته باشد» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۱۸-۴۱۲). ازدواج، واحدی است به لحاظ اجتماعی، شناخته شده و بعضاً به لحاظ قانونی، تأیید شده که از یک مرد و یک زن تشکیل می‌شود. (بستان، ۱۳۸۳: ۱۷)

۲. سن ازدواج

سن ازدواج، سنی است که جوانان در آن (سن)، به زندگی زناشویی وارد می‌شوند (میشل، ۱۳۷۸: ۳۳). مناسب‌ترین سن ازدواج، سنی است که دو طرف از لحاظ جسمی به بلوغ کامل

1. Marriage.



رسیده باشند و از لحاظ روانی آمادگی پذیرش مسئولیت ازدواج را داشته باشند. سن تقویمی هر چند بی‌اهمیت نیست، اما مهم‌تر از آن سن عقلی است که ضامن ماندگاری زندگی مشترک خواهد بود. (بیوک‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۴)

۳. تأخیر در سن ازدواج

تأخیر در سن ازدواج عبارت است از میزان عقب افتادن سن مطلوب ازدواج جوانان در جامعه. میزان تأخیر در سن ازدواج بر حسب متغیر کمی «سال» یا متغیرهای کیفی «کم»، متوسط، زیاد» قابل بررسی و محاسبه است. (اسکندری جراتی، ۱۳۸۷: ۱۲)

ج) یافته‌ها

۱. عوامل خانوادگی در بروز موانع ازدواج

یک) اعتقاد به داشتن زندگی آزاد

برخی بر این باورند که ازدواج باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنان می‌شود؛ از این رو، ترجیح می‌دهند به شکل مجرد و آزاد زندگی کنند. این گرایش نه تنها در بین پسران وجود دارد، بلکه برخی از دختران نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی‌های فردی خود می‌دانند. شاید بیشتر افرادی که ازدواج را عامل محدودکننده آزادی‌های فردی می‌دانند، فلسفه و حقیقت ازدواج را به خوبی درک نکرده و طرفدار آزادی به معنای غربی آن باشند؛ اما در این میان افرادی هم هستند که با وجود گرایش مذهبی قوی، آسایش، آرامش، خودسازی و سیر و سلوک معنوی را در داشتن نوعی زندگی می‌دانند که در آن قید و بندهای زندگی مشترک وجود نداشته باشد. برخی نیز فرزنددار شدن را مانع رشد اجتماعی مطلوب و کار و تحصیل خود می‌دانند؛ از این رو، حاضر نمی‌شوند ازدواج کنند. «عدم توجه خانواده‌ها به یکدیگر، درک نشدن نیازهای و خواسته‌های جوانان در خانه و نداشتن حریم خصوصی مختص خود، باعث سرخوردگی در جوان شده و او را مشتاق به ترک خانه و زندگی مجردی می‌کند» (قرایی مقدم، ۱۳۹۳). جوامع غربی، این خلأ زمانی یا در حقیقت دوره بحرانی را با روابط آزاد جنسی که پشتوانه قانونی دارد، می‌پوشانند؛ اما جامعه دینی ما چنین راهکاری را بر نمی‌تابد. اسلام، نه فساد و بی‌بندوباری جنسی را می‌پذیرد و نه با افزایش سن ازدواج موافق است (سیحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۰)؛ چرا که در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آنها را ملزم می‌سازد به



یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت آنان پایان می‌بخشد. سیستم روابط آزاد اولاً موجب می‌شود پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز زنند و فقط هنگامی که نیروی جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می‌نهد اقدام به ازدواج کنند که در این موقع، زن را فقط برای فرزندآوری و احیاناً خدمتکاری و کُلفتی می‌خواهند. چنین ازدواج‌هایی سبب می‌شود به جای اینکه خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق بنا شود و هر یک از زن و شوهر، همسر خود را عامل سعادت خود بدانند، به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت به یکدیگر بنگرند و چنان که مصطلح شده است، یکدیگر را زندانبان بنامند. (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۳: ۹۹)

دو) عوامل روانی و مرضی

«واردی وجود دارد که علت تأخیر یا عدم انجام ازدواج عوامل روانی و مرضی است. دختران و پسرانی وجود دارند که با وجود بالا رفتن سن برای ازدواج آمادگی ندارند. این عدم آگاهی، گاه علت روانی دارد و گاه علت جسمانی. علت روانی نیز گاه جنبه مرضی و گاه جنبه غیر مرضی دارد. موارد غیر مرضی نظیر آن است که به علت عدم اعتماد به نفس، فرد احساس می‌کند نتواند وظایف همسری را انجام دهد و از قبول مسئولیت زناشویی می‌ترسد. این احساس عدم کفایت، گاه مربوط به امور زناشویی و گاه در مورد امور معیشتی است. هر چه باشد این احساس می‌تواند موجبی برای تأخیر یا عدم انجام ازدواج باشد. در موارد مرضی که عدم کفایت، واقعیت داشته باشد یا در مواردی که علت، عدم آمادگی جسمانی باشد، مراجعه به متخصصان مربوط و درمان آن از ضروریات است و هرچه زودتر باید برای این منظور اقدام شود. در موارد غیر مرضی، بالا بردن اعتماد به نفس و ایجاد موفقیت در زمینه مربوط می‌تواند مشکل را حل نموده و کارساز گردد.» (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۹۱-۹۰)

سه) فقر، مشکل مالی و ترس از آینده

یکی از بهانه‌هایی که همیشه مانعی بر سر راه ازدواج‌ها بوده و آن را مشکلی پیچیده ساخته، فقر و ناداری است. بسیاری به خاطر اینکه خواستگار، فقیر است یا شغل پردرآمد ندارد، جواب منفی به او داده و بسیاری نیز برای خواستگاری به در خانه مستمندان نمی‌روند، بلکه سراغ ثروتمندان را می‌گیرند. چنین افرادی قطعاً بدانند که ازدواج بر اساس ملاک‌های مادی هرگز صحیح و منطقی نخواهد بود. بسیاری نیز به خاطر فقر و تهیدستی ازدواج نمی‌کنند و تصور می‌کنند باید زندگی مادی تکمیل باشد و بعد ازدواج کنند؛ اما همین





تصور نادرست، سال‌های طولانی آنان را از نعمت ازدواج محروم کرده و چه دختران زیبا و ایده‌آلی که به جرم فقر مادی خانوادگی در خانه مانده‌اند. «متأسفانه در جامعه ما، نگرش بعضی از مردم به ازدواج، مادی شده است. بر این اساس، با محاسبات مادی خود، ازدواج کردن را به تأخیر می‌اندازند» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۳). اینان نگاهشان به آینده، نگاه بدبینانه و با ابهام خواهد بود؛ چرا که آینده را از تیررس خود دور می‌بینند و امور وهمی را در ذهن خود به نمایش درمی‌آورند و از فردای زندگی مشترک به دلیل بار مسئولیت، پرداخت نفقه و هزینه‌های زندگی، روحیات و خلیقات همسر آینده، سازگاری یا عدم سازگاری، محدودیت‌ها و قیودات و... واهمه دارند و با این بهانه، از ازدواج و قبول مسئولیت شانه خالی می‌کنند. این گونه اندیشیدن هرگز با اصول اسلام و روح خداپرستی سازگار نیست. چه بسیار افرادی که قبل از ازدواج، فقیر خانه به دوش بودند؛ ولی این عمل، نخستین پایه رشد معنوی و مادی آنان شد. از آنجا که فقر و ناداری، بهانه‌ای عمومی برای فرار از ازدواج در همه زمان‌ها بوده و هست، قرآن به عموم مسلمانان خطاب می‌کند که نگران فقر و تهیدستی نباشید: «ان یکونوا فقراء ینهم الله من فضله و الله واسع علیم» (نور: ۳۲)؛ و اگر فقیر و تهیدست‌اند، خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد، خداوند وسعت‌بخش و آگاه است. گفتنی است که فقر به تنهایی نمی‌تواند مانع ازدواج باشد؛ زیرا با سیری در زندگی پیامبر اکرم (ص) درمی‌یابیم که پیامبر (ص) جوان ۲۳-۲۴ ساله‌ای بود که از مال دنیا چیزی نداشت و با همان حال به خواستگاری خدیجه آمد. اگر بین دو جوان علاقه و محبت وجود داشت، نباید اجازه داد به خاطر فقر و مشکلات مادی نتوانند با هم وصلت کنند.

چهار) وسواس بیش از حد در انتخاب همسر

یکی دیگر از عوامل افزایش سن ازدواج، احتیاط بیش از حد و وسواس‌گونه دختر و پسر (با خانواده آنان) در مورد انتخاب همسر آینده است. افرادی که بیش از حد در این زمینه وسواس به خرج می‌دهند، نمی‌توانند در مورد ازدواج و انتخاب همسر آینده خود تصمیم بگیرند. این افراد گاه در اقدام به ازدواج، با اینکه همه اقدامات ضروری پیش از مراسم ازدواج را انجام داده‌اند، اما چند روز مانده به عقد یا عروسی، تمام قول و قرارها را زیر پا می‌گذارند و حاضر به ازدواج نمی‌شوند. (شجاعی، ۱۳۸۴: ۵۰-۴۹)

پنج) ادامه تحصیلات دانشگاهی و تحوّل موقعیت زنان

عامل دیگری که موجب افزایش سن ازدواج شده، گرایش به ادامه تحصیلات در بین



جوانان است. امروزه تلقی و برداشت جوانان این است که ازدواج، فرصت ادامه تحصیل را از آنان سلب می‌کند؛ به ویژه تحوّل موقعیت اجتماعی در زنان و گرایش آنها به تحصیلات عالیه موجب شده که سن ازدواج افزایش پیدا کند. دختران چنین فکر می‌کنند که بعد از ازدواج به دلیل مسئولیت همسری یا مادری نمی‌توانند درس بخوانند؛ پسران نیز با چنین نگرشی به ندرت حاضر می‌شوند در حین اشتغال به تحصیل برای ازدواج اقدام کنند.

شش) سنت‌های غیر منطقی

«در خانواده‌ها رسم بر آن است که دخترها به ترتیب سن ازدواج کنند؛ اول دختر بزرگ‌تر و به ترتیب دخترهای دوم و سوم و...؛ چرا که والدین معتقدند در این مورد به قول معروف، طلسمی ایجاد می‌شود که برای دختر بزرگ‌تر به سادگی خواستگار نمی‌آید و همه خواستگار دخترهای بعدی می‌شوند. در مورد پسرها وضعیت حالت حادی ندارد و جلو عقب شدن ازدواج آنها مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند. سنت غلط دیگری که منتسب به پدران و مادران می‌باشد، القا یا اظهار جملاتی نظیر این است که: هنوز بچه است، از دهانش بوی شیر می‌آید و در جهت عکس، که به محض مکلف شدن دختر و پسر بدون هیچ آمادگی روانی و جسمانی آنان را به خانه بخت روانه می‌کنند» (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۹۰)

هفت) عدم درک متقابل جوان و خانواده از خواسته‌ها و نیازها

«انسان بالغ به جهت گذر از مرحله وابستگی محض به مرحله رشد و استقلال، به دلیل رشد عقلی و آگاهی و تجربیات مکتسبه از محیط پیرامون، با یک سلسله خواسته‌ها و نیازهای جدید با آگاهی بر احساس رشد، عدم وابستگی، قدرت تصمیم‌گیری، تشخیص مصالح و مفاسد مواجه است و افزایش آگاهی اجتماعی، بعضاً نگرش‌ها و برداشت‌های متفاوت و دوگانه‌ای را در بین جوان و والدین ایجاد می‌کند؛ چنان که هر یک نظر دیگری را مباین و مغایر نظر خود دانسته و هر کدام خود را متعلق به زمان خاصی می‌دانند» (کانون مشاوره خانواده، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۴۷). جوان به دلیل اینکه خویش را متعلق به زمان حال می‌داند، فکر خود را نیز از زمان حال گرفته و یک نوع استقلال فکری در خویش احساس می‌کند. اما این نحوه تفکر و نگرش در میان جوان و والدین او خللی پدید می‌آورد که منتج به عدم درک متقابل و تفاهم در میان آنان می‌شود؛ به طوری که مغایر یکدیگر اندیشیده و اظهار نظر می‌کنند و تمایل یکی موجب طرد دیگری می‌شود و پسند یکی به ناپسندی دیگری منجر می‌شود. در خانواده‌هایی که چنین شیوه‌ای معمول باشد، قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب راه صواب از



جوانان سلب شده و در مسائل زناشویی، با این بهانه که والدین آنها را درک نمی کنند، ازدواج نکرده یا در صورت ازدواج، به دلیل عدول از نظر والدین، روابط خانوادگی آنان به سردی می گراید. (کانون مشاوره خانواده، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

هشت) دخالت زیاد خانواده در گزینش همسر برای جوانان

«با افزایش آموزش و آگاهی و پیچیده تر شدن جامعه، فردگرایی نیز در جامعه و در بین جوانان رشد یافته و به همان نسبت اصالت خانواده محوری و فدا کردن خواسته ها و رضایت فردی برای مصلحت خانواده، کاهش یافته است. در اثر این تحولات، شیوه همسرگزینی نیز رو به تغییر گذاشته و دیگر صرفاً خانواده نیست که همسر آینده جوانان را تعیین می نماید، بلکه جوانان خود فعالانه در تعیین سرنوشت آینده خود دخالت می کنند، هر چند که هنوز نقش خانواده در گزینش همسر برای جوانان بسیار حائز اهمیت است» (همان). دخالت زیاد خانواده در گزینش همسر برای جوانان، بدون داشتن مسئولیت در تأمین هزینه های زندگی پس از ازدواج، معمولاً سبب تأخیر در تشکیل خانواده شده، امکان ازدواج برای جوانان را مشکل می کند و نیز سبب فشارهای روانی و اجتماعی و اقتصادی به جوانان می شود.

نه) تأمین جهیزیه

«یکی از موانع ازدواج برای دختران، تهیه جهیزیه است. سنتی که در ابتدا بسیار سهل و آسان بود و با وسایل مختصری که دختر به خانه بخت می برد، زندگی زناشویی آغاز می شد. در حال حاضر جهیزیه های سنگین شامل تمام وسایل زندگی از یخچال، فرش، لباسشویی، گاز و تخت خواب گرفته تا ظرف و جارو برقی، مبل، میز ناهار خوری و ... با قیمت های روزافزون موجب شده است که اکثر خانواده ها نتوانند بار مالی آن را تحمل کنند. وانگهی به این علت که اگر کسی که جهیزیه خوبی به خانه بخت نبرد تا آخر عمر مورد سرزنش همسر و اقوام وی قرار می گیرد، دختران از قبول خواستگار سرباز می زنند» (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۸۸-۸۷). «در بسیاری از نقاط کشور، مسئول تهیه جهیزیه، خانواده دختر است و این امر، بار سنگینی را بر دوش خانواده عروس می گذارد. نداشتن تمکن مالی پدر خانواده عروس، توقعات بی جا، چشم و هم چشمی، تکبر و غرور یکی از طرفین یا تحقیر خانواده کم بضاعت، از جمله پیامدهای این فرهنگ نادرست است که می تواند زمینه ساز مشکلات بعدی در زندگی زوجین نیز بشود» (سبحانی نیا، ۱۳۹۴: ۵۹-۵۸). «در کشور ایتالیا این تفکر وجود ندارد. جوانی که می خواهد ازدواج کند حتماً باید خانه داشته باشد، اما مشاهده شده که تمام اثاثیه



جوان‌هایی که تازه ازدواج کرده بودند، تنها پنج ساک بود؛ در حالی که در ایران ما، مردم عادت دارند حتماً سند آپارتمان زیر سرشان باشد تا خوابشان ببرد» (محمدی آیدغمیشی، ۱۳۸۸: ۴۴). در فرهنگ اسلامی نیز ملاحظه می‌شود که چون حضرت زهرا(س) با علی(ع) ازدواج کرد، امیرالمؤمنین زره خود را فروخت و وجه آن را به عنوان «مهریه» به خدمت رسول خدا(ص) تقدیم داشت و از همان پول‌ها جهیزیۀ زهرا(س) تهیه شد. پیامبر خدا(ص) پول‌ها را گرفت و سپس به هر یک از اصحابش مقداری از آنها را داد و فرمود: از بازار مدینه خرید کنید و نیازهای ضروری خانۀ علی و فاطمه را در نظر بگیرید^۱ و مسئولیت خرید را به ابوبکر واگذار کرد، و او در خریدن اثاث منزل، سایر اصحاب پیامبر را راهنمایی می‌کرد (بابازاده، ۱۳۸۴: ۱۵۹). اصحاب رسول خدا(ص) چون این لوازم و ابزار سادۀ زندگی را به حضور آن حضرت آوردند، آن حضرت نگاهی به آنها کرد و سپس با دستش آنها را ملاحظه نمود، آن گاه فرمود: «خداوند به اهل بیت من برکت عطا فرماید». (همان: ۱۶۰)

«اما امروزه، تعیین مهریه‌های سنگین و نجومی، چندسالی است که مانع ازدواج گردیده است. برخی با این توجیه که «مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته» یا به این باور که مهریۀ زیاد، ضامن حفظ و استمرار پیوند زناشویی است، مهریه‌های سنگینی را معین می‌کنند؛ اما افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد که این کار نمی‌تواند ضامن خوشبختی افراد باشد. بر اساس یک تحقیق، ۷۸ درصد جوانان، مهریۀ سنگین را موجب گریز از ازدواج می‌دانند». (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۶) بنابر این، چشم و هم‌چشمی‌ها، ظاهرنگری‌ها و خودنمایی‌های غیرمنطقی، هزینه‌های گزافی را برای تأمین جهیزیۀ به خانواده‌ها تحمیل کرده است؛ به طوری که بعضاً سال‌های سال از سنگینی بار هزینه‌های آن نمی‌توانند کمر راست کنند. این نحوه نگرش موجب شده است کسانی که به اقتضای غریزه علاقه‌مند به تشکیل خانواده‌اند، از این سنت حسنه محروم بمانند یا برای عقب نماندن از قافله تجمل در نزد اقوام و دوستان، با رفتن به زیر بار سنگین قرض، هزینه تأمین جهیزیۀ‌ای سنگین را بر خود تحمیل کنند. غافل از اینکه جهیزیۀ فقط در حدی لازم است که دختر بتواند در ابتدای زندگی مشترک نیازهای اولیۀ همسرش را بر طرف کند، نه اینکه به خاطر تأمین نظر دیگران موجبات نابودی زندگی خودش را فراهم کند.

۱. اشیا و لوازمی که خریداری شد بدین قرار بود: پیراهن زنانه به مبلغ هفت درهم، روسری بلند به ارزش چهار درهم، قطیفۀ مشکی خیبری، تخت مخصوص عربی که از چوب و لیف خرما می‌ساختند، دو عدد تشک که یکی پشمی و دیگری از لیف خرما تهیه شده بود، چهار عدد بالش که از پشم و لیف خرما پر شده بود، پرده خانگی، حصیری برای فرش خانه، آسیاب دستی، کاسه‌های مسی، مشکی از پوست، کاسه چوبی برای شیر، ظرف مخصوص آب، آفتابه برای وضو و دستشویی، دو بازوبند نقره‌ای، چند کوزه سفالین، سیوی سبزی‌نگ» (بابازاده، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۵۹)

ده) وجود خواهر و برادر بزرگ‌تر

«یکی دیگر از مشکلاتی که مطرح می‌شود وجود برادر یا خواهر بزرگ‌تر است؛ بدانیم که در مورد این مانع، هیچ دلیل شرعی وجود ندارد. ممکن است برادری دوست نداشته باشد ازدواج کند و برادر دیگر احتیاج به ازدواج دارد؛ هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که کوچک‌تر صبر کند. بهانه‌تراشی برای ادامه تحصیل نیز قابل قبول نیست؛ چون با ازدواج، آرامش روحی حاصل می‌شود و ادامه تحصیل راحت‌تر صورت می‌پذیرد» (محمدی آیدغمیشی، ۱۳۸۸: ۴۴)

۲. عوامل اجتماعی در بروز موانع ازدواج

یک) مشکل همسریابی دختران

در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن در ایران، محدودیت‌های اخلاقی و شرعی برای ایفای نقش فعال و مستقیم دختران در امر همسریابی کم و بیش به قوت خود باقی است. در این حالت، دختران در یک فشار ساختاری فرهنگی گرفتارند و در پی آن، چه بسا ناهنجاری‌هایی نظیر تبعیض جنسیتی، زندگی‌های خاموش و سرد و طلاق گریبان آنها را بفشارد. البته حضور فعال بانوان در عرصه‌های آموزشی و شغلی مجاز، به تخفیف این مشکل کمک می‌کند. این موضوع حکایت از نقش ضعیف فرد و وجود فشار ساختار فرهنگی، حکایت از کم‌اختیاری فرد دارد (بخارایی، ۱۳۸۷: ۳۷۴). همچنین بعضی خانواده‌ها در امر ازدواج و انتخاب همسر به جای مشورت و راهنمایی، نقش اجبارکننده‌ای دارند و آزادی انتخاب و تصمیم‌را از زوجین می‌گیرند؛ در صورتی که نظرات خانواده هنگامی پسندیده است که جنبه مشورتی داشته باشد؛ زیرا یکی از بزرگ‌ترین مسائلی که جوانان در این سن با آن مواجهند، مسئله عدم آشنایی و شناخت است. بنابر آمار، ۶۰ درصد دختران دانشگاه‌رفته برای یافتن همسر مناسب دچار مشکل می‌شوند (معاونت پژوهشی دفتر نهاد رهبری، ۱۳۷۸). در فرهنگ اسلامی ایرانی، هر گونه اقدام مستقیم دختران برای شناسایی و جلب نظر پسران و شوهریابی، ناپسند قلمداد می‌شود. بدین معنی، دختر باید بدون انجام مراودات رایج در جوامع غربی، از طریق حفظ انزوای جنسی، عفت خود را اثبات کند و منتظر بماند تا خانواده پسران نسبت به صلاحیت او اعلام نظر کنند (بخارایی، ۱۳۸۷: ۳۷۴)

دو) هزینه‌های کمرشکن ازدواج

«بنیان نهادن خانواده که سنگ زیربنای جامعه است، گاهی با گرندهایی روبه‌رو می‌شود که مهم‌ترین آن زیاده‌روی و ریخت و پاش است. هزینه‌های سرسام‌آور ازدواج یا مانع



از تشکیل خانواده می‌شود یا آن را با دشواری روبه‌رو می‌سازد و زیاده‌روی و زیاده‌خواهی بر پیوستگی آن ضربه می‌زند و مایهٔ پدید آمدن ناسازگاری و در پی آن، جدایی می‌گردد. هر چه بلندپروازی‌های مادی فزونی یابد، ساختار خانواده با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو می‌شود، خواه در پیوند با کابین باشد، یا مبلمان خانه یا هزینه‌های عقد یا جشن عروسی» (گروه حدیث، ۱۳۹۰: ۲۰). «در مجموع، انجام مراحل ازدواج هزینه‌های سنگینی را طلب می‌کند که اکثر دختران و پسران با محاسبهٔ بار مالی آن از انجام ازدواج منصرف می‌شوند. خریدهای غیر ضروری، تشکیل جلسات متعدد نامزدی، عقد و عروسی و هر جلسه با تعداد و تشریفات زیاد، هزینهٔ آرایش، گل و ماکولات متنوع و تهیهٔ عکس و فیلم از جمله مواردی‌اند که در انجام ازدواج کمر خانواده را خم می‌کنند» (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۸۸). این طرز تفکر که عدم انجام این تشریفات موجب گلاویه و نیش زبان‌ها است و به علاوه طرح این موضوع از طرف دختر که انسان فقط یک بار عروس می‌شود و ...، موضوع را پیچیده‌تر می‌سازد.

سه) نداشتن شغل و استقلال کافی جوانان

مهم‌ترین مسئلهٔ کاهش سن ازدواج در میان پسران، مسئلهٔ شغل آنهاست. پسران اغلب زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهدهٔ تأمین معاش خانواده طبق آداب و رسوم طبقهٔ اجتماعی خود برخوردارند؛ اما چون نمی‌توانند امیدی قاطع به تأمین امنیت اقتصادی آیندهٔ خود داشته باشند، از این رو برای تأمین نیازهای خود تا حدود زیادی به والدین وابسته بوده و تا زمانی که این وابستگی وجود دارد، نیازی به انتخاب همسر در آنان احساس نمی‌شود. بنابر این، جوان بیکاری که توان تأمین هزینه‌های سنگین زندگی را ندارد و در تأمین نیازهای خود نیز به خانواده‌اش وابسته است، از پذیرفتن چنین مسئولیتی سر باز می‌زند. (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

چهار) بیکاری یا اشتغال به کارهای کم‌درآمد

«جوانان زیادی هستند اعم از بی‌سواد، کم‌سواد یا فارغ‌التحصیلان دبیرستانی و دانشگاهی که به سن ازدواج رسیده‌اند و کار مناسبی به دست نیآورده‌اند. این افراد که برای زندگی روزمرهٔ خود، یا چشم به کمک پدر و مادر دوخته‌اند و یا به کارهای نامناسب نظیر سیگار فروشی، دلالی، فروشندهٔ دوره‌گرد و یا در مورد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به مشاغل غیر تخصصی نظیر منشی‌گری، فروشندگی و مشاغل کم‌درآمد دیگر اشتغال ورزیده‌اند به هیچ وجه امکان تشکیل خانواده و تأمین هزینه‌های زندگی را ندارند و در نتیجه، با حالت یأس



و نومی‌دی، با وجود احساس نیاز و علاقه به مسئله ازدواج مواجه می‌شوند و فرضاً با چنین شرایطی ازدواجی انجام گیرد، نهایت آن ناسازگاری و طلاق خواهد بود» (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۸۹). اصلی‌ترین مشکلاتی که باعث می‌شود جوانان برای ازدواج اقدام نکنند، وضع معیشتی خانواده‌ها و بیکاری جوانان است. بحث اشتغال مانع بزرگی بر سر راه ازدواج جوانان است؛ چون وقتی شغلی نباشد، وضع معیشت هم تثبیت شده نیست و طبیعی است که خود جوانان و خانواده‌هایشان نگران آینده باشند. به هر حال وقتی جوانان نتوانند خودشان را اداره کنند، چطور می‌خواهند تشکیل خانواده داده و مسئولیت همسر یا احیاناً بچه‌هایی را هم بپذیرند؟ بر همین اساس، ازدواج را کنار می‌گذارند. بنابر این، افزایش سن ازدواج پسران، معلول شرایط است. اگر علت اصلی که همان ایجاد اشتغال و بهبود وضع معیشتی مردم و جوانان است حل شود، چنین معلول‌هایی مثل بالا رفتن سن ازدواج خودبه‌خود حل می‌شود. «با وجود اینکه نمی‌توان مسائل اقتصادی را نادیده گرفت، اما باید قبول کرد که دلیل بعضی از تأخیر افتادن‌ها در ازدواج، واقعاً به جهت بی‌پولی نیست؛ بلکه راضی نبودن به آن اندازه‌داری است که می‌تواند یک زندگی دو نفره ساده را تشکیل داد. در این منطبق، باید درآمد کافی و قابل قبول داشت» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۴) و چون افراد نمی‌توانند در سنین معینی مثلاً ۲۰ تا ۲۵ سالگی درآمد کافی داشته باشند، لذا نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند و به عنوان مانع اساسی فراروی ازدواج جوانان قرار می‌گیرد. در جامعه کنونی ما نیز نظام مشاغل جدید در برابر مشاغل سنتی به گونه‌ای طراحی شده که عموماً از کانال نظام آموزشی می‌گذرد که خود سال‌های طولانی وقت در نهادهای مربوطه را می‌طلبد و این امر فی‌نفسه باعث بالا رفتن سن ازدواج افراد می‌شود. بنابر این، در این تئوری، اقتصاد و خانواده به عنوان دو نهاد اجتماعی مرتبط و پیوسته در نظام اجتماعی‌اند و رابطه زن و شوهر در ازدواج به طور خیلی متفاوت به موقعیت اقتصادی آنها بستگی دارد. برای مثال، فرد بیکار در مقایسه با فردی که مشغول به کار است، در موقعیت متفاوتی برای ازدواج قرار دارد. بر اساس این تئوری، ازدواج و تشکیل خانواده حاصل تعامل تمامی خرده‌نظام‌های جامعه با یکدیگر است؛ چنانچه برای ازدواج می‌بایست شغل (درآمد) و مسکن مناسب مهیا شود که لازمه آنها، تحصیل (آموزش) و کسب تخصص است.

پنج) نداشتن مسکن و بالا بودن قیمت آن

نداشتن مسکن مناسب و متناسب با شأن افراد که آرامش درون خانه را فراهم و تأمین



کند، همچنین اجاره‌های سنگین و رو به تزاید مسکن و عدم توانایی افراد در پرداخت آن، واقعیتی است که مانع ازدواج شده یا آن را به تأخیر می‌اندازد. تهیه مسکن با قیمت‌های روزافزون برای جوانان مزدوج از سوی بسیاری از پدر و مادرها میسر نیست. بالا بودن اجاره بها و عدم تناسب آن با درآمدهای اکثر جوانان، مانع بزرگی در راه ازدواج است. (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۸۸)

شش) فراهم بودن زمینه ارضای نامشروع

«همچنان که بیان شد، بر اساس رویکرد اسلامی، ازدواج یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضای غریزه جنسی می‌باشد و سلامت اخلاق جنسی یک جامعه نسبت متقابلی با فراهم بودن امکانات ازدواج برای افراد آن جامعه دارد؛ زیرا در دنیای امروز با شکسته شدن دیوارها و مرزها، افراد در معرض پیام‌های متفاوت و متناقض با فرهنگ خود قرار دارند و این عوامل، همراه با ضعف انسان در مقابل غریزه جنسی، ممکن است افراد را به سمت شکستن هنجارهای فرهنگی و حدود الهی بکشاند» (شرفی و طاهریور، ۱۳۸۷: ۶۵). از این رو، به نظر می‌رسد بین تأخیر در سن ازدواج و انحرافات اخلاقی، رابطه‌ای دوسویه برقرار باشد. روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان تمتع و ارضای جنسی، نیاز به ازدواج را در جوانان کم‌رنگ کرده است. برخی از جوانان برای ارضای غرایز طبیعی خود به ارتباط با جنس مخالف بسنده می‌کنند (سفیدگران، ۱۳۸۰: ۶۳۳-۶۳۲). بنابر این، روابط آزاد دختر و پسر و امکان بهره‌گیری جنسی از راهی غیر از ازدواج که در عین حال، مسئولیت چندان بر عهده فرد نمی‌گذارد، یکی از عوامل تأخیر در سن ازدواج است.

هفت) گسترش فرهنگ تکاثر و تفاخر

تبلیغ زندگی تجملی و پر زرق و برق توسط رسانه‌های گروهی باعث ظهور الگوهای رفتاری جدید و تمایلات و نگرش‌های تازه می‌شود که تعادل ذهنی و فرهنگی جامعه را در هم می‌ریزد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوان‌ها لازم است و جوان‌ها آن را می‌خواهند؛ اما موانعی هم وجود دارد؛ ولی همه موانع اقتصادی نیست، موانع اقتصادی بخشی از مشکل است؛ عمده موانع فرهنگی است. عادت‌ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم و هم‌چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها، اینهاست که یک مقدار نمی‌گذارد آن کاری که باید انجام بگیرد، باید خود شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید. من از این ازدواج دانشجویی که هر سال برگزار می‌شود، بسیار خشنود و خرسندم.



اگر عادت کنند که ازدواج‌ها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام بدهند، فکر می‌کنم خیلی از مشکلات حل خواهد شد. اساس ازدواج در اسلام بر سادگی است. در اوایل انقلاب هم همین طور بود؛ منتها متأسفانه این فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری یک مقدار کار را مشکل کرد؛ متأسفانه بعضی از مسئولان هم با ازدواج‌های خانواده‌هایشان مشکلاتی درست کردند». (نقل از شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۵)

از سوی دیگر، اگر چه مسائل اقتصادی مانند نحوهٔ امرار معاش و گذران زندگی و داشتن مسکن برای شروع یک زندگی مهم است، اما این عوامل، باعث ایجاد موانع مهم‌تر و بزرگ‌تر و در عین حال غیر ضروری و کم‌اهمیت می‌شود. برای مثال؛ مسائلی همچون ادامهٔ تحصیل، میزان مهریه، میزان و نوع جهیزیه و عدم وجود روحیهٔ قناعت، اکنون به صورت پدیده‌های بازدارندهٔ ازدواج در پشت مشکلات اقتصادی قرار دارند و آرام آرام به صورت یک ساختار فرهنگی شکل گرفته‌اند و به یک فرهنگ تبدیل شدند». (شرفی و طاهرپور، ۱۳۸۷: ۶۶)

د) بحث و نتیجه‌گیری

راه حل کلیدی ازدواج، در بستر خانواده است و خود متضمن راهکارهای زیربنایی دیگری است که با برنامه‌ریزی حساب شده از سوی مسئولان و اجرای آن توسط کارشناسان، مشاوران و مربیان می‌باشد.

ازدواج یکی از مهم‌ترین وقایع حیاتی است که امروزه دچار تغییر و تحولات عمیقی شده و وجود مسائل مختلف به خصوص در شهرهای بزرگ، این پدیدهٔ مقدّس را به امری سخت، پیچیده و مبهم مبدّل ساخته است. مسئلهٔ ازدواج جوانان از جمله مسائل مهمی است که فواید بی‌شماری بر آن مترتب است. با اطمینان می‌توان گفت که تبعات مثبت تلاش برای تسهیل و کاهش موانع موجود در مسیر آن، علاوه بر جوانان، جامعه را نیز منتفع می‌سازد. «در ازدواج، آدمی نیمهٔ دیگر خود را می‌یابد و زندگی‌اش از پایداری و استواری نیرو می‌گیرد و از آزمون و پختگی ویژه‌ای بهره می‌برد و احساس مسئولیت و پابندی او رو به فزونی می‌نهد و مسیر زندگی آدمی بلورینه می‌شود و خرمی خاصی می‌یابد و از خودمحوری و خودخواهی کناره می‌گیرد و راه و روش زندگی را می‌آموزد که چگونه گرایش و خواست دیگران را بر گرایش و خواست خود پیشی دهد. در اسلام، بی‌مسئولیتی و گریز، چونان رهبانیت دیده نمی‌شود؛ زیرا اولی، افراط و دومی، تفریط است. بل آنچه در اسلام دیده



می‌شود بهره‌بری درست از غرایز و برآوردن نیازهای غریزی به گونه‌ای معتدل می‌باشد و این همان است که پیوند زناشویی را پایه‌ریزی می‌کند» (گروه حدیث، ۱۳۹۰: ۱۳). بنابر این، فراهم ساختن سازوکارهای مناسب و تلاش برای رفع مشکلات فراروی ازدواج جوانان، توسط خود جوانان، خانواده‌هایشان و مسئولان امری لازم و ضروری است؛ «چراکه قرآن مجید، وظیفه ازدواج دختران و پسران را به عهده همه افراد جامعه اسلامی، به‌ویژه نزدیکان آنان قرار داده است» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۶۰) و در قرآن می‌فرماید: «مردان و زنان بی‌همسری را که در بین شما هستند، همسر دهید؛ همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود، آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند گشایش دهنده و آگاه است» (نور: ۳۲). اسلام به خانواده‌ها هم سفارش فرموده، به پسران و دختران جوان همسر بدهید، اگر چه فقیر باشند و ما هم رحمت و روزی خود را شامل حال آنها می‌گردانیم. ما باید دست جوانان، این امیدهای آینده و نسیم طراوت‌های زندگی را بگیریم و دست آنان را در دست همدیگر قرار دهیم تا با ازدواج و وصلت، زندگی آبرومند و سالمی را تشکیل دهند.

منابع

- قرآن کریم.

- اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان». فصلنامه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، سال چهارم، ش ۳.
- بابازاده، علی‌اکبر (۱۳۸۴). مراسم عروسی. قم: قدس، چ چهارم.
- بحیرانی، الهام و زهرا حضرتی صومعه (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر. مورد مطالعه: دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در سال ۱۳۹۰». مجله علمی - پژوهشی مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ش ۴: ۱۵۰-۱۳۷.
- بخارایی، احمد (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران. تهران: پژوهش‌های جامعه‌شناسی.
- بستان، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- بیوک‌زاده، صبا (۱۳۹۰). ازدواج به سبک ایرانی (همه چیز درباره پیوند زناشویی). تهران: ترفند.
- حسینی بیرجندی، سید مهدی (۱۳۸۱). خانواده‌درمانی و مشاوره ازدواج و زناشویی. تهران: اساطیر.
- ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۸۳). «بررسی سه دیدگاه مختلف در مورد کارکرد اصلی ازدواج». مجموعه مقالات همایش ازدواج دانشجویی؛ راهکارها و چالش‌ها. کانون مشاوره خانواده دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان: مرسل.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۹۴). راهکارهای آسان‌سازی ازدواج جوانان (برگرفته از کتاب سیمای خانواده در

اسلام). قم: مؤسسه بوستان کتاب.

- سفیدگران، غلامحسین (۱۳۸۰). «مسائل و مشکلات زنان با اولویتهای و رویکردها». تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۴). «تحلیل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان». ماهنامه معرفت، ش ۱۰: ۵۳-۴۶.

- شرفی، محمدرضا و محمدشریف طاهرپور (۱۳۸۷). «راهکارهای افزایش ازدواج و گسترش فرهنگ ازدواج آسان با تأکید بر رویکرد اسلامی». ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، ش ۱۸-۱۷ (خرداد و تیر): ۷۳-۵۳.

- قرایی مقدم، امان‌الله (۱۳۹۳). «تجزه‌گرایی جوانان، ثمره روابط ضعیف خانواده‌ها». روزنامه اقتصاد برتر، ۱۴ آذر. برگرفته از: <http://eghtesadbartar.ir>

- کانون مشاوره خانواده دانشگاه صنعتی اصفهان (۱۳۸۳). «مجموعه مقالات همایش ازدواج دانشجویی؛ راهکارها و چالش‌ها». اصفهان: مرسل، ۱۷۱-۱۴۳.

- گروه حدیث؛ زیر نظر محمدهادی عبدخدایی (۱۳۹۰). خانواده در پرتو قرآن و سنت. مشهد: آستان قدس رضوی.

- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶). «بررسی دلایل و آثار افزایش ازدواج دختران روستایی در آشتیان». پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۳: ۳۸۶-۳۷۵.

- محمدی آیدغمیشی، علی (۱۳۸۸). بررسی مسئله ازدواج. اصفهان: نقش نگین.

- معاونت پژوهشی دفتر نهاد رهبری (۱۳۷۸). بررسی نگرش دانشجویان درباره ازدواج. تهران: دفتر نهاد رهبری.

- میشل، آندره (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: دانشگاه تهران.

